

که با آقایان هجرت نمود از ترس جان و مال خودش بود که بعد از آقایان، عین‌الدوله در مقام گرفتاری آنان خواهد برآمد .

روز پنجشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۱۳۲۴ - اول آفتاب حاجی شیخ فضل‌الله مجتهد با جمعیت بسیاری مهاجرت نمود که در حسن‌آباد ملحق به آقایان گردد . در این سه روز هم که در شهر ماند متصل و متوالیاً با آقایان مکاتبه و مراسله داشت . حاجی‌علی‌اکبر بروجردی را رسول‌نمود نزد آقایان و سوگند یاد نمود که به شما خواهیم رسید ، هر جا که بروید من هم می‌آیم و نیز چندین مرتبه نصرالسلطنه او را ملاقات نمود و آنچه کرد که او از قصد خود برگردد قبول ننمود ، تا آن که امروز صبح علی‌الطلوع از دروازه طهران خارج شد . (۱)

عین‌الدوله از حرکت حاج شیخ فضل‌الله بی‌اندازه ضعیف شد و پس از این که شنید حاج شیخ فضل‌الله مهاجرت نمود گفت : هزار نفر از ملاها رفتند ، اما بیست کروور اهالی ایران از دست آنها خلاص و راحت شدند . و هم امروز تلگراف نمود به بلدان و ایالات ایران و حکام را دستورالعمل داد که هر کس خواست برود به عقبات ، مانع نشوند و بگذارند برود و نیز امروز پانصد نفر سوار به ریاست سردار فیروزکوهی مأمور شدند که با آقایان حرکت کنند، علی‌الظاهر می‌گفتند چون امنیت داده‌ایم به آقایان، پس باید محافظت نمود آنها را تا از خاک ایران خارج شوند و این سوارها برای امنیت طرق و شوارع و حفظ آقایان حرکت کرده‌اند، و لیکن چند گاری کند و زنجیر و اسبابهای شکنجه و غیره با آنها بود و علی‌المذکور سردار فیروزکوهی مأمور بود که از قم آقایان را متفرق نماید ، بعضی را به - طرف کلات و بعضی را به طرف اردبیل و بعضی را به طرف کرمان نفی کند و نیز امیربهادر جنگ گفته بود که اگر شاه اذن بدهد من ملاها را قبل از ورود به قم علاج می‌کنم.

آقامیرزامصطفی‌آشتیانی با عنوان مرض مادرش حرکت کرد ولی از دم دروازه حضرت‌عبدالمعظم سوارهای دولتی او را برگردانیدند، بردند نیاوران حضورشاه و امروز آمد به شهر . که ان‌شاءالله تفصیل این واقعه را بعد از این اشاره خواهیم کرد .

شب پنجشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی سه ساعت از شب گذشته آقایان از کهریزک حرکت نموده و در ساعت هفت از شب گذشته وارد حسن‌آباد شده و تا صبح آنجا خوابیده رفع خستگی نمودند ، روز را هم به ملاحظه پیاده‌ها آنجا ماندند . در يك ساعت به غروب، از حسن‌آباد حرکت، دو ساعت و نیم از شب گذشته وارد قلعه محمدعلیخان شدند و در آنجا آب به قدر کفایت آنها نبود . به صدمات و زحمات بسیار تهیه‌آبی دیده شام مختصری صرف

(۱) نکارنده را با واقع امرکاری نیست و قصد شیخ را نمی‌داند ولیکن علی‌الظاهر حرکت حاج شیخ فضل‌الله خیلی امر آقایان را قوت داد . چه مراتب علمیه او از دیگران بهتر و سلوکش نسبت با طلاب و اهل علم از دیگران خوشتر بود .

نموده نزدیک به طلوع فجر از آن جا حرکت نموده در اول طلوع آفتاب وارد علی آباد شدند .

عین الدوله علاوه بر آن پانصد سوار، دوست نفر سوار و قزاق فرستاده ، که اگر در بین راه کسی در مقام حمایت آقایان برآید او را هدف گلوله سازند . در شهر هم احدی جرأت نمی کند اسم آقایان را ببرد به خوبی .

شخص بنائی در کوچه طهران گفته بود: با ادعای مسلمانی، این گونه سلوک با سادات و ذریه فاطمه، محل حیرت و تعجب است ! سادات و علماء برای آسودگی ما در میان بیابان، تشنه و گرسنه و برهنه و پای پیاده در رنج و تعب می باشند، ما باید ساکت باشیم؟ مجملآ این شخص بنا در شب پنجشنبه در حالتی که در پهلوی زنش خوابیده بود با گلوله تفنگ مقتول گردید . یعنی گلوله به رانش خورده بعد از دو روز مرحوم شد . حالا عمداً او را کشتند و یا اتفاقاً گلوله تفنگ به پایش خورد، خدا داناست؛ نه قاتل معلوم شد و نه قصد . این قدر معلوم است که جز شب گرد و نظامی احدی در شب با حربه و سلاح نمی گردد . پس معلوم است که قاتل از دیوانیان بوده و آن بناء از دوستان و حامیان مهاجرین بوده است .

و نیز در این روز يك نفر سید در خیابان شمس العماره به امر امیربها در دستگیر و به طرف محبس دولتی او را بردند ، دیگر تقصیر او چه بوده و با او چه کردند، معلوم نشد .

امروز واقعه سفارتخانه انگلیس مسموع گردید و مشهور شد که عده ای از تجار آن جا متحصن شدند، و جمعی از طلاب مدرسه صدر و دارالشفاء را از طرف تجار بردند به سفارتخانه و هر کدامی را يك تومان پول دادند که شب را آن جا بمانند که در واقعه فردا خواهد آمد . روز جمعه ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۲۴ - امروز بعضی از اوراق قرآن دیده شد که گلوله تفنگ آنها را سوراخ و خراب کرده بود، می گفتند از شصت پاره هائی است که در واقعه مسجد جامع هدف گلوله واقع شده بودند . این اوراق و مجلدات محترمه هیجان غریبی در مردم احداث کرده، امروز طرف صبح نگارنده رفت به سفارتخانه انگلیس، متجاوز از پانصد نفر جمعیت در آن جا دیده با این که طرف عصر محل اجتماع و مذاکره است علت تحصن و پناه بردن اهالی از این قرار است :

واقعه تحصن ملت به سفارتخانه انگلیس

در ایران معمول و مرسوم است که هنگامی که يك یا جماعتی در فشار حاکم یا پادشاه واقع شوند ، پناه به خانه یکی از بزرگان می برند، و به آن مکان مقدس پناهیده می شوند . خواه آن متحصن ظالم باشد خواه مظلوم . مثلاً شاه یا مأمورین دولت، کسی را بخواهند مأخوذ دارند اگر قبلاً به او اطلاع بدهند، به جائی متحصن می شود تا امر او اصلاح

بشود و اگر کسی هم مال دیوان را بخورد و یا ورشکسته و مفلس شود پس از تهیه خود به جایی متحصن می‌شود.

اما محل تحصن را جایی قرار می‌دهند که محل ملاحظه شاه و حاکم باشد، مثلاً امامزاده معتبری اگر باشد به آن جا پناه می‌برند، و می‌گویند فلان در بست رفته‌است و اگر امامزاده نباشد به خانه یکی از علماء بزرگ آن شهر پناه می‌برد و او را واسطه در اصلاح قرار می‌دهد. مثلاً در مشهد مقدس از چوب بست محل امن و تحصن است. در شیراز اطراف امامزاده شاه چراغ محل بست است. در کرمان خانه علماء و اطراف خانه هر عالمی محترم محل بست است. در طهران مقصرین و یا غارمین از حکومت به زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم پناهنده می‌شوند و در آن جا می‌مانند تا رفع ظلم از آنها کنند. بعضی از اوقات در زیر توپ مروارید می‌نشینند و این توپ بزرگی است که موسوم به توپ مروارید است و در نزدیکی درب ارك که زیر نقاره‌خانه است، آن را گذارده‌اند. پناهندگان به این مکان، زودتر امر آنها اصلاح می‌شود. چه هر که به این مکان پناه آورد شاه و صدر اعظم زودتر بر حال عارض مطلع می‌شوند.

در این اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و زمان مظفرالدین شاه امر بست نشستن تعمیم پیدا کرده‌است؛ به این معنی، سرطویه شاهی و طویله‌های شاهزادگان هم محل امنی شده‌است. چه هر کس به سرطویه پناه ببرد مهترها و جلودارها و امیر آخورها از او همراهی می‌کنند و اتفاقاً کار عارض هم اصلاح می‌شود.

در واقع ناصرالدین شاه ملتفت شده بود که گفته بود باید وسایط را تعمیم داد که مظلومین از خدا منصرف شوند چه در امکان مقدسه شاید يك نفر متوجه به خدا گردد، آن وقت خانواده ظالم تباه و هلاک می‌شوند. به این جهت امکان غیر مقدسه را نیز ضمیمه امکان مقدسه نمودند تا بکلی مردم را نظر به واسطه باشد و ظالم راحت و آسوده بخوابد.

این شد که هر کس عارض یا ورشکسته و یا مظلوم واقع می‌شد و یا مستحق سیاسی می‌گردید پناه می‌برد به توپ مروارید و یا سرطویه شاهی و یا منزل یکی از خانهای درباری و یا خواجه‌های ساطانی و خرده خرده و کم کم امکان بست بسیار و فراوان می‌شد و گاه گاهی هم به ملاحظه شأن عارض و یا بزرگی مطلب، پناهنده به یکی از سفارتخانه‌ها می‌شدند.

مثلاً در (۱۸۴۸) میلادی، تقریباً هفتاد سال قبل، اعیان و بزرگان مملکت ایران از ظلم حاجی میرزا آقاسی وزیر محمدشاه و صدراعظم ایران به جان آمده به سفارت روس و انگلیس ملتجی شدند و در آن جا بست نشسته عزل او را از شاه خواستگار بودند و در هیچ‌ده و بیست سال قبل ناظم العلماء ملایری که از علماء و بزرگان و شرفاء ملایر بود، با چند نفر از اهالی ملایر به سفارتخانه روس ملتجی شدند، از ظلم و ستم سیف الدوله برادر

عین‌الدوله ، که در آن وقت حاکم ملایر بود ؛ حتی آن‌که آقامیرزا سید محمد طباطبائی که تازه از عتبات مراجعت فرموده بود فرستاد ناظم‌العلماء را آوردند ، و فرمود : یا بودن علماء در طهران مناسب نیست شما پناه به سفارتخانه روس ببرید ، من خودم کارت را اصلاح می‌نمایم. ناظم‌العلماء باز جرأت نکرد خارج شود تا اطمینان تام به او داده شد ، و همچنین در ماه گذشته حاج شیخ‌الرئیس که از علماء و شاهزادگان است به اتهام حریت‌طلبی طرف سوء ظن دولت واقع شد . به محض آن‌که دانست که عین‌الدوله در خیال گرفتاری او است پناه به سفارتخانه عثمانی برد و از آن‌جا خارج نشد تا آن‌که به توسط سفارت ، تأمین‌نامه از دولت برای او گرفته و در دفتر سفارت ضبط نمودند .

خلاصه از مکاتبات آقای بهبهانی به سفارت انگلیس و این‌که صریح به بعض تجار فرموده بود : اگر عین‌الدوله به شما سخت گرفت ملتجی به سفارت انگلیس شوید. تجار به این خیال بودند تا آن‌که در شب دوشنبه ۲۳ جمادی‌الاولی که روزش آقایان از شهر خارج شدند ، چند نفر فراش و غلام کشیک‌خانه می‌روند درب‌خانه حاجی‌حسن برادر حاجی - محمد تقی که در مهاجرت صغری وکیل خرج آقایان بودند و خدمات بزرگ به آقایان کرده بودند .

خلاصه می‌گویند : پیغامی از حاجی داریم که باید به‌خانه بگوئیم . زن حاجی حسن آمد پشت درب خانه ، فوراً او را گرفته با درشکه خانم را می‌برند به طرف منزل عین‌الدوله و به او می‌گویند ما موریم شوهرت را بگیریم ولی با تو محترمانه سلوک خواهد شد ، چه شاهزاده عین‌الدوله تعریف و توصیف حسن تورا شنیده و تعلق خاطری به تو به هم رسانیده ، زن بیچاره خواهی نخواهی ساکت شد .

نگارنده ندانست مقصود عین‌الدوله از بردن این زن چه بود و چه انتقامی را در نظر داشت . بلی ، شوهر این زن حاجی‌حسن در واقعه تحصن به زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم وکیل خرج آقایان بوده با برادرش حاج محمد تقی دامن همت و مردانگی را به کمر زده مخارج مهاجرین را می‌داد. مجلاً زن را در عوض شوهر گرفتند ، و بردند و چند روز بعد از این واقعه حاج‌حسن آن زن را طلاق داده و صداقتش را به تمامه داده ، بعضی را عقیده این بود که این زن دائمی حاجی‌حسن نبود بلکه صیغه او بوده ، بعضی را عقیده این بود که نه زن دائمی بود و نه انقطاعی ، بلکه مترس حاجی . ولی اقرار حاج‌حسن حضور آقای طباطبائی به این‌که او را طلاق داده‌ام و دیگر پهلوی او نرفتم ، دلیل است بر این‌که زن دائمی او بوده و اگر این اقرار نبود ، نگارنده این واقعه را تکذیب می‌نمود ؛ چه از شاهزاده عین‌الدوله این طور شنایع و فضایح دیده نشده ، و احدی ندید این شاهزاده به ناموس کسی دست‌اندازی نماید. خلاصه این شایعه مردم را بی‌اندازه خائف نمود .

رفتن تجار به سفارتخانه انگلیس

روز دوشنبه ۲۳ در خانه آقا محمد دلال باتک روسی، مجلس جشنی منعقد گردید که آقامحمد، ربیبه معزالسلطان را عقد کرده و جمعی از تجار و صرافها را مهمان کرده بود که در این اثناء حاج محمدتقی و حاج حسن برادرش وارد شدند و مذکور داشتند خیالات عینالدوله را درباره خودشان و دیگران. حضرات تجار فوراً این دو برادر را بردند به اطای دیگر که کسی آنها را نبیند و کسی را فرستادند به ابن بابویه نزد آقایان که تکلیف ما چیست؟ پس از چند ساعتی فرستاده مراجعت نمود، و از طرف آقای بهبهانی پیام آورد که من استخاره کرده‌ام که پناه ببرید به سفارتخانه انگلیس، خوب آمده‌است، البته بروید در سفارتخانه انگلیس و در آنجا متحصن باشید تا امنیت برایتان بگیرند. تجار با هم مشورت نمودند که ما با سفارتخانه انگلیس راه و آشنائی نداریم.

آقامیرزا محمود اصفهانی که از تجار معتبر و از اجزاء انجمن مخفی بود، گفت: آقا سید علاءالدین سید نصرالدینی، با من همسایه و دوست است، با اجزاء سفارت مراد دارد، من او را ملاقات می‌نمایم و از او تکلیف می‌خواهم. بالاخره قرار بر این گذاردند که شب را در خانه آقامیرزا محمود حاضر شوند. فلذا شبانه را حاضر شدند در محل مذکور و از آنجا می‌روند به خانه سید علاءالدین. پس از عرض حال، سید علاءالدین گفت: کار بست، بسی صعب و دشوار است، ولی من يك اندازه کار را به جائی می‌رسانم. تجار می‌گویند: ما سیصد تومان به شما می‌دهیم که ما را ببرید در سفارتخانه انگلیس و همراهی کنید که از ما پذیرائی کنند. پس از مذاکرات بسیار، شصت تومان نقد و بقیه را قبض دادند. آقا سید علاءالدین کاغذی نوشت به یکی از اجزاء سفارتخانه، پسرش را حامل آن قرار داد.

میرزا حاجی آقا تاجر با آقازاده رفتند به قلهک که محل بیلاق سفارتخانه است، و در دو فرسخی طهران واقع، و از حیث آب و هوا بهترین امکانه شمیرانات است. اجزاء سفارتخانه در اول امتناع و بالاخره جواب دادند که پذیرائی از تجار می‌شود، لیکن به شرایطی که از آن جمله است: عدم جنحه و جنایت و مفلس بودن و ورشکستگی که بخواهد مال مردم را بخورد. میرزا حاجی آقا گفت: هیچ تقصیری ندارند جز آن که از آقایان همراهی کرده‌اند و بر حسب اشاره آقای بهبهانی از ترس جان پناه می‌آورند به سفارتخانه. اجزاء می‌گویند: بیایند به قلهک که مکان بیلاقی است. میرزا حاجی آقا گفت: جرأت ندارند از شهر خارج شوند و در سفارتخانه شهر متحصن می‌شوند. خلاصه، قول از آنها گرفته و می‌آیند شهر و مؤده قبول را به تجار دادند. فلذا شب سه‌شنبه ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴ نه نفر از تجار معتبر از قرار ذیل به سفارتخانه انگلیس پناهنده می‌شوند و اسامی آنها از این قرار است:

آقا میرزا محمود تاجر اصفهانی - حاجی محمدتقی - حاج محمدحسن - حاج محمد-

ابراهیم - ملاحسن وارث - حاج علی ماهوت فروش - میرزا حاج آقا حریر فروش - آقامحمد تقی صراف - حاج سید آقا صراف .

پس از آمدن این نه نفر به سفارتخانه، دو نفر سوار هندی و چند نفر قزاق از طرف شارژدافر آمدند شهر برای محافظت متحصنین سفارتخانه .

از طرف شارژدافر پیغام رفت برای میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه، که جمعی از تجار عازم شده اند پناه آورند به سفارتخانه، جلو گیری کنید. وزیر امور خارجه یا به مسامحه و ملاحظه گذرانید و یا عمداً در مقام خرابی کار عین الدوله برآمده، چه مشیرالدوله وزیر امور خارجه بی میل نبود که عین الدوله از کار بیفتد بلکه انقلاب سلطنت و تزلزل دولت قاجاریه را مایل بود، چنانچه بعد از این ذکر خواهد شد. و هم می دانست که اگر عین الدوله از کار بیفتد دیگر احدی قابل صدارت نیست، و این مسند و منصب به او خواهد رسید. به هر جهت مشیرالدوله وزیر امور خارجه در مقام اصلاح و جلوگیری از هجوم متحصنین بر نیامد، بلکه به دولت هم اطلاعی نداد تا بکلی امر سفارتها محکم شد، و امر ظاهری و علنی گردید .

دو نفر از اجزاء سفارتخانه یکی حسینقلی خان نواب و دیگری میرزا یحیی خان منشی سفارتخانه امروز وارد شدند به سفارتخانه و به تاجر گفتند: حالا که شما آمده اید و متحصن شده اید بهتر این است که مقصود را اهمیت دهید و صرف امنیت خواستن برای خودتان را تنها عنوان نکنید، بلکه معاودت آقایان را عنوان کنید که لازمه آن امنیت خودتان است، و هم چند نفری از سادات و اهل علم را نیز با خود همراه کنید، هر چه عده زیادتر و هر قدر از سادات و طلاب با شما باشند بهتر است .

این شد که تاجر در این دو سه روز جمعی از طلاب مدرسه صدر و دارالشفاء را با خود نموده، بعضی را پول داده، بعضی را بدون پول بردند به سفارتخانه. به این طور که آقا سید محمد تقی سمنانی را که از اجزاء آقای بهبهانی بود و برای همین گونه مطالب در شهر مانده بود، با آقامیرزا محمود قمی را دیده، پنجاه تومان به آقا سید محمد تقی دادند و به آقامیرزا محمود هم دستور العمل دادند، این دو نفر هم آنچه ممکن بود از زحمت و صدمه متحمل شدند، عده زیادی از سادات و اهل علم را وارد نمودند .

امروز طایفه بزازها و صرافها دکاکین خود را بسته و رفتند به سفارتخانه، حتی صراف و بزاز خیابانها و بازارچهها که ایام جمعه را نمی بستند امروز را بستند. این شایعه در تمام شهر منتشر گردید. مردم دسته دسته داخل می شوند، طلاب مدرسه ناصریه به حالت اجتماع داخل شدند. با این که این مدرسه دولتی بود و از طرف ظهیرالاسلام که داماد مظفرالدین شاه و متولی امور مدرسه بود ضمانت و جلوگیری شد، باز طلاب اعتنا نکرده و رفتند به سفارتخانه .

رنود هم در بین افتاده، مردم را تحریص و ترغیب می نمودند. چون هوا گرم بود در سخن سفارتخانه چادرهای متعدد برپا شد، عده سرپرده امروز به ده رسیده. آشپزخانه عمومی منعقد گردید. مخارج جمیع را از هر جهت حاجی محمدتقی و برادرش حاج حسن برعهده گرفته، ذوالریاستین کرمانی که از اعضاء انجمن مخفی بود امامت جماعت نمود. بعد از نماز جماعت، سندلی گذارده، رفت بالای سندلی مردم را موعظه و بیدار نمود. فخرالاسلام نیز ملحق شده و رفت منبر و شروع به نطق نمود.

اجزاء انجمن مخفی تازه پیدا شدند و یکدیگر را ملاقات نمودند. ولیکن احدی جرأت نمی کند جز معاودت آقایان دیگر عنوانی نماید. حتی فیلسوف بهبهانی در يك چادر عنوان کرد که باید ما قانونی از شاه مطالبه کنیم. فیرواً دورش را گرفتند و خواستند او را خارج نمایند.

در عصر امروز اعلانی با ژلاتین طبع شد از چادر مخصوص که جز مسدودی در آن نبود، بیرون آمد. یکی از آنها در پاکت گذارده شد برای شاه فرستاده شد که سورت آن از این قرار است:

عریضة ملت حضور اعلیحضرت بندگمان شاهنشاه مظفرالدین شاه خلدالله ملكه

به شرف عرض مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه اسلام پناه خلدالله مملکت و سلطانه می رساند: نظر به کلمه طیبه رضویه ثامن الائمة صلوات الله علیه که فرمودند: «السلطان ظل الله یأوی الیه کل مظلوم، دعا گوین اصله» از طرف خود و وکاله از طرف برادران ایمانی عرضه می داریم که دو سال تمام است علمای اعلام، قبه الاسلام دارالخلافه از دست ظلم و تعدی حکام جور به حضور مبارک ذات پاک اعلیحضرت اقدس شاهنشاه منتظلم شده، استدعا نمودند که بساط عدل گسترده شود، و این صفت عدل که بزرگترین صفات حضرت اقدس احدیت عز شأنه است و علی الدوام مکتون خاطر مقدس آن پادشاه رؤف عطاوف بوده، چنانچه دستخط آفتاب نقط برطبق آن شرف صدور یافته و پرتو عکسش چون آفتاب جهانتاب به هر برزن و روزن تابیده اشاعه شود، خائنین دولت ابدمدت این عنوان عرض صحیح شایسته را به لباس ناشایسته به حضور مقدس وانمود داده اند و خاطر مبارک اعلیحضرت اقدس را رنجه کردند. علماء اعلام و سایر رعایا را که تمام ناموس و عرض پادشاهان، یاغی و طاغی قلمداد و اکابر علماء ملت را در ساحت پاک به فساد و سرکشی نسبت داده و رفته رفته کار را به جایی رساندند که جمعی از آل رسول و دوستان علی بن ابی طالب را به گلوله کشند، و در مسجد که خانه یزدان و محل امن و امان عبادالله است، علماء اعلام و ذراری رسول را محاصره نموده، آب و نان بر روی آنها بستند و قرآن مجید را که شفیع عرض

خود نموده بودند، نشانه تیر کردند و علماء اعلام و ائمه جماعت را به تهمت از شهر بیرون، و از وطن آواره نمودند. محض رفع شبهه کاری‌هایی که خائنین دولت در ساحت طاهره اعلیحضرت اقدس شاهنشاه نموده‌اند عرضه می‌داریم که استدعای رعایا که نوابیس و عیال پادشاه‌اند، آن است که مجلس معدلتی که حاوی بر اجراء احکام قانون محمدی (ص) و مشتمل است بر حفظ نفوس و اموال و اعراض و ناموس و دماء مسلمین و امنیت دوستان محمد و آل محمد (ص)، اقامه شود که اجزاء آن اجراء احکام محمدی و فرمایشات پادشاه که تمام مأخوذ از قانون احمدی است، دانایان به طریقه شرع احمدی و امنای پادشاه که در درستی و راستی علی بن یقطین وقت و عقلای والامقام که تمام دولتنخواه محمدی مذهب و علوی مشرب خدا- جو هستند، تا احکام نازله از ساحت قدس و مقام احدیت حضرت پروردگار و قوانین وارده در قرآن را که تمام پاره تن و فلذه کبد رسول الله هست که خون مظلوم ابی عبدالله الحسین به جهت ابقاء آن احکام ریخته شده است، اجراء بدارند. تا به اراده نافذ و مشیت ماضیه ذات مقدس پادشاه این قانون احمدی و زا کون محمدی (ص) که سر بود تمام قوانین است الیوم مندرس و از میان رفته است، جوانی از سر گیرد و چشم اسلام و اهالی محمدپرستان روشن و این گلخن ایران گلخن در گلشن شود، و مایه رشک سایر دول گردد و قلب همایون که مظهر اسم تام ذوالجلال حضرت قائم آل محمد از ملال و کلال است بیرون آید.

باقی ایام دولت و قدرت و سلطنت مستدام باد.

فی بیست و هفتم ج ۱ سنه ۱۳۲۴

سربازها که در کوچه و بازار چاتمه زده بودند و مردم را اذیت می‌کردند، به اردوی خارج شهر رفتند. يك نفر سرباز در شهر دیده نمی‌شد جز عده‌ای سرباز که در خیابان علاءالدوله گذاردند برای محافظت مردم که مبادا یکی از دیوانیان به یکی از متحصنین بی‌احترامی کند. مردم با این حال که دیده‌شد به طرف سفارتخانه می‌رفتند یا برای الحاق به متحصنین یا برای تماشا و سیاحت.

امروز در اول صبح، آقایان وارد علی آباد شدند، روز را به واسطه گرما و ملحق شدن پیاده‌ها در علی آباد توقف نمودند.

روز شنبه ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۲۴ - امروز مهاجرین تا عصر در علی آباد که دو منزلی قم است توقف نمودند، طرف عصر حرکت و چند ساعت از شب گذشته وارد کوشک نصرت شدند.

امروز بازارها بسته شد. تجار و طلاب و بزازها و سرافها عموماً وارد به سفارتخانه شدند و بانهایت نظم و معقولیت رفتار می‌کنند. اجزاء سفارتخانه نهایت حسن سلوک و پذیرائی

را ظاهر می‌سازند .

می‌توان گفت سفارتخانه در حکم يك مدرسه شده است ، چه در زیر هر چادر و هر گوشه جمعی دور هم نشسته‌اند ، و يك نفر عالم سیاسی از شاگردان مدارس و غیره آن‌ها را تعلیم می‌دهد . یعنی چیزهای تازه به گوش مردم می‌خورد که تا کنون احدی جرأت نداشت بر زبان آورد . فیلسوف بهبهانی و بعضی از اجزاء انجمن مخفی روزنامه حیل‌المتمین را در دست گرفته بر مردم قرائت می‌نماید . آقاسیدرضا نکشی که از عنادیان حریت است و آقاسید حسین بروجردی ملقب به مدیر الاسلام و بعضی دیگر در چادرها وارد می‌شوند ، قند و چای و غیره توزیع می‌نمایند .

کارهای خوردنی ، متوالیاً داخل می‌شود . قند و چای و نان و برنج و غیره می‌آورند . جمیع مخارج و لوازم را حاج محمد تقی و برادرش حاج حسن می‌دهند . اگر هم از جایی هم محرمانه پولی برسد جمع بر این دو برادر می‌شود . وزیر مختار انگلیس هنوز وارد نشده است . شارژدافر سفارت هم باملت همراه است . مشهور شد که شارژدافر رفته است نیاوران در قصر صاحبقرانیه که حضور اعلیحضرت ، شرف شود و تظلم تجار و مردم را به عرض برساند . عین‌الدوله مانع شد و خودش هم از او پذیرائی نکرد و عذر آورد که شاه مریض است ، چنانچه عرضی دارید به توسط وزیر امور خارجه کتبا عرض کنید . این شایعات اگر چه دروغ و یا مخالف مرسوم باشد ، باز عوام باور کرده موجب قوت قلب آن‌ها می‌گردد ، بر عده آنها افزوده می‌شود .

روزنامه ایران که روزنامه رسمی دولتی است . مورخه نوزدهم جمادی الاولی ، امروز از تحت طبع خارج شد و قانون عدلیه را که درج کردند ، چند نسخه از آن را به دست بعضی داده ، آوردند در سفارتخانه ، و در بین مردم منتشر ساختند ، ولی هر کس دستش آمد پاره کرد . چه عین‌الدوله پس از آن که شنید تجار در سفارتخانه متحصن شده‌اند ، از عاقبت امر اندیشه نمود ، فوراً حکم داد نظامنامه برای عدلیه نوشته و فرستاد به اداره روزنامه ایران و اطلاع و در بین مردم شایع ساختند که عدالتخانه عمأ قریب تأسیس خواهد شد .

نویسنده نظامنامه گویا ممتازالدوله (۱) پسر مکرّم السلطنه است که تازه به اداره عین‌الدوله وارد شده است ، و اعلم از او در دستگاه عین‌الدوله کسی نیست زیرا که مشارالیه از اشخاص تحصیل کرده ، زبان فرانسه و ترکی عثمانی را به خوبی تعلیم گرفته و مدتی هم در اسلامبول بوده ، قوانین عدلیه عثمانی را از زبان ترکی ترجمه نموده و هم به حالات عین‌الدوله مسبق و هم مقتضیات زمان را می‌داند .

نگارنده این نظامنامه را در تاریخ درج می‌نماید که وضع تألیفات و اندازه ترقی

(۱) ممتازالدوله در زمان مشروطیت اول مدنی رئیس مجلس بوده و امروز هم که زمان طبع و تنقید تاریخ بیداری است ، وزیر عدلیه است . شرح حالانش عمأ قریب خواهد آمد .

این زمان و مرتبه دانش اهالی، به دست خواننده تاریخ آید.

در شماره نهم از سال پنجاه و نهم روزنامه ایران که روزنامه دولتی است که مورخه پنجشنبه ۱۹ جمادى الاولى سنه ۱۳۲۴ هجرى موافق ۲۱ ژوئیه ماه فرانسه، این نظامنامه مندرج است و صورت آن از این قرار است:

قانون عدلیه

به تاریخ ربیع الثانی یونستیل ۱۳۲۴ به مدد تأییدات حضرت قادر متعال ترتیب و اساس دیوان عدالت عظمی که مظهر عدل و نصفت ملوکانه است، مطابق فصول و فقرات ذیل تشکیل و مرتب می شود:

فصل اول - تکالیف و حدود وزارت عدلیه

فقره اول - مطلق دعاوی و تظلماتی که در ممالک محروسه ایران طرح می شود، اعم از این که متداعیین رعیت خارجه یا داخله یا از طبقه نظام یا از صنف تجار باشند رسیدگی و حکم قضیه بالانحصار راجع به وزارت عدلیه عظمی است. فقره دوم - در موقع محاکمات نظامی و خارجه و تجارتی حضور امضاء وزارتخانه های جلیله جنگ و خارجه، و تجارت در وزارت عدلیه شرط است.

فقره سیم - دایره وزارت عدلیه در حکم محضر مبارک شخص شخیص همایونی شاهنشاهی است اعم از شاهزادگان عظام و وزراء فخام و ارباب مناصب لشکری و کشوری و سایر طبقات مردم. مطلقاً هر کس را وزارت عدلیه احضار کند باید خود او یا وکیل ثابت الوکاله او در وزارت عدلیه بدون تأمل و تجافی در موقع مقرر حاضر شود.

فقره چهارم - وزارت عدلیه در احضار اشخاص مدت معینی را مهلت قرار خواهد داد که بتوانند در زمان مهلت، خود را برای حضور در وزارت عدلیه حاضر کنند، و اگر با رعایت این مهلت حاضر نشدند، مطابق فصول جداگانه به تفاوت موضوع مطالب و دعاوی مورد مجازات خواهند بود.

فقره پنجم - احکام و مقررات وزارت عدلیه، تالی حکم پادشاه و تخلف از آن بدون عفو و اغماض مستوجب مجازات است.

فقره ششم - مهر دولتی وزارت عدلیه در حکم امضاء شخص همایون و احکام این وزارتخانه مستغنی از امضاء شخص اول دولت است.

فقره هفتم - وزارت عدلیه برای هر یک از ولایات و ممالک محروسه، امضاء عدلیه مأمور خواهد کرد، و حدود و تکالیف آنها مطابق مندرجات فصول ترتیب اداره وزارت عدلیه معلوم خواهد شد.

فقره هشتم - رؤساء عدلیه ولایات و اجزاء وزارت عدلیه به تصویب شخص

وزیر عدلیه معین و در پیشگاه دولت معرفی می‌شوند، و وزیر عدلیه حق عزل و انفصال آنها را نخواهد داشت مگر بعد از ثبوت تقصیر و یا اجازه و امضای همایونی. فقره نهم - وزارت عدلیه ماعی یک بار راپورت کارهای تمام شده را به توسط جناب اشرف اتابک اعظم تقدیم حضور همایونی خواهد کرد.

فقره دهم - در مطلق دعاوی قدیمه که مدت آن زاید بر بیست و پنج سال است وزارت عدلیه برای مدعی جز تکلیف قسم بر مدعی علیه حقی نخواهد شناخت، و این نوع دعاوی در صورتی محکوم به این حکم است که در مدت مزبور مدعی به هیچ وجه طرح و عنوان دعاوی خود را نکرده باشد.

فقره یازدهم - وزارت عدلیه باید با کمال بی‌غرضی و بی‌طرفی به قانون شرع مطاع، به عرایض متظلمین رسیدگی کند و یقین بداند که چنانچه طرف شکایت احدی واقع شود در مجلس شورای دولتی، تحت استنطاق داخل و چنانچه اندک تجافی در حدود مقرر او ثابت شود، مورد مؤاخذه و مسئولیت سخت خواهد بود، و همچنین اگر خلاف عرض عارض، و بی‌گناهی وزیر عدلیه معلوم و محقق خواهد شد، سیاست مفتری مطابق فصول مجازات جداً به اجراء خواهد رسید.

فقره دوازدهم - وزارت عدلیه هر یک از کسبه و اصناف شهری را در موقع لزوم با اطلاع حکومت دارالخلافه به دائره عدلیه احضار خواهد کرد.

فقره سیزدهم - در هر نوع مطلب و دعوی که در وزارت عدلیه طرح می‌شود، بعد از ثبوت حقیقت احدالطرفین و حکم به حقانیت او، باید مستندات طرف دیگر را که فساد آن معلوم شده از صورت سندیت خارج و در کابینه وزارت عدلیه ضبط نمایند که مجدداً وسیله عنوان مطلب و تجدید دعاوی او در دست مدعی نباشد.

فقره چهاردهم - مطالبی که در دایره حکومت دارالخلافه سابقاً طرح و ختم شده است چنانچه مجدداً به وزارت عدلیه رجوع شود، یا رجوع به تحقیقات و قرارداد حکومت دارالخلافه، در مجلس استیناف وزارت عدلیه تجدید رسیدگی خواهد شد.

فصل دوم - ترتیب اداره وزارت عدلیه

شعبه اول - ترتیب اداره عدلیه مرکزیه :

فقره اول - دایره وزارت عدلیه در یکی از بیوتات دولتی تشکیل خواهد

شد.

فقره دوم - دائره وزارت عدلیه به شرح ذیل دارای مجالس و دوائر مخصوصه

خواهد بود :

۱ - مجلس وزیر عدلیه ۲ - کابینه وزارت عدلیه ۳ - مجلس محاکمات داخله ۴ - مجلس تفتیش و استنطاق ۵ - مجلس استیناف ۶ - دایره اخذ حقوق ۷ - فراشخانه وزارت عدلیه ۸ - دایره مأمور اجراء ۹ - مجلس محاکمات خارجه .

مجلس وزیر عدلیه

فقره (۱) - اجزاء مجلس: اول وزیر عدلیه . دوم - معاون وزیر عدلیه . سوم - منشی باشی وزارت عدلیه . چهارم - يك نفر معاون منشی باشی .

فقره (۲) - کلیه دعاوی و تظلمات بدو در طی يك ورقه مهمور در حضور شخص وزیر عدلیه طرح می شود و وزیر عدلیه به مناسبت مطلب به توسط اداره کابینه وزارت عدلیه به مجالس مقتضیه رجوع خواهد کرد . یعنی فقط در ظهر ورقه ، اسم آن مجلس را یادداشت و به اداره کابینه خواهد فرستاد .

فقره (۳) - عرایض و اوراقی که از این مجلس به کابینه وزارت عدلیه فرستاده می شود منشی باشی وزارت عدلیه اسم عارض و موضع دعوی را در کتابچه مخصوص یادداشت خواهد کرد که در آخر هر روز معلوم شود چند فقره مطلب به وزارت عدلیه اظهار شده ، و موضع تظلمات چه بوده ، و به توسط اداره کابینه به کدام يك از ادارات وزارت عدلیه رجوع شده است .

کابینه وزارت عدلیه :

فقره ۱ - اجزاء مجلس: (۱) رئیس کابینه . (۲) يك نفر معاون رئیس . (۳) يك نفر ضابط ثبت اسناد . (۴) يك نفر محاسب . (۵) يك نفر محرر .

فقره ۲ - اداره کابینه به شرح ذیل دارای دفاتر مخصوصه خواهد بود :
(۱) - دفتر منگنه و یادداشت (۲) - دفتر ثبت و ضبط اسناد (۳) - دفتر تعیین حقوق .

دفتر منگنه و یادداشت

فقره اول - اوراقی که از مجلس وزیر عدلیه به کابینه فرستاده می شود اول به این دفتر خواهد رسید .

فقره دوم - این دفتر به اسم هر يك از ادارات کتابچه های مخصوصه نمره و اسم روز و سال در آن طبع شده است مرتب خواهد کرد .

فقره سوم - از روی ورقه اسم صاحب مطلب و موضع تظلم در این کتابچه یادداشت و پشت ورقه منگنه می شود ، بعد ورقه و کتابچه را اداره کابینه برای رئیس آن اداره که مطلب به آن جا راجع است می فرستند ، ورقه را به رئیس آن اداره تسلیم و در ذیل یادداشت مطلب به مهر مخصوص آن مجلس رسید می گیرند ، و همچنین کتابچه هایی که برای رسید نوشتجات طبع و مرتب می شود با پاکتهای

صادر از وزارت عدلیه به اداره فراشخانه وزارت عدلیه می‌رود. پاکتها را فراش‌باشی تحویل و بعد از تبلیغ نوشتجات، رسید پاکتها را در همان کتابچه به مهر صاحبان پاکتها گرفته، کتابچه‌ها را آخر هر روز به اداره کابینه رد می‌کند.

فقره چهارم - این دفتر، هفته‌ای دو مرتبه از روی یادداشتهای اوراقی که به ادارات وزارت عدلیه فرستاده است، نتیجه اقدامات آن اداره را از رئیس اداره استعلام می‌کند و پس از یک مرتبه اظهار، اگر بلا اقدام مانده باشد، به شخص وزیر عدلیه رجوع خواهد کرد.

دفتر ثبت و ضبط اسناد

فقره اول - این دفتر مطابق شرح ذیل به دفاتر مخصوصه منقسم می‌شود:

۱ - دفتر دعاوی نقدیه. ۲ - دفتر دعاوی ملکیه. ۳ - دفتر جنایات. ۴ - دفتر

مواریث.

هر یک از این دفاتر دارای دو شعبه خواهد بود: شعبه خارجه، شعبه

داخله.

شعبه داخله بر دو قسم است: داخله عامه، داخله خاصه.

و داخله خاصه نیز بر دو قسم است: داخله خاصه نظامی، داخله خاصه

تجارتی. و از این قرار مجموع شعب و اقسام هر یک از این دفاتر بر چهار دفتر

توزیع می‌شود. پس در دفتر ثبت و ضبط اسناد به شرح فوق شانزده دفتر مخصوص

ترتیب خواهد شد و فهرست مجموع دفاتر از این قرار است:

۱ - دفتر دعاوی نقدیه خارجه. ۲ - دفتر دعاوی ملکیه خارجه. ۳ - دفتر

جنایات خارجه. ۴ - دفتر مواریث خارجه. ۵ - دفتر جنایات داخله عامه. ۶ - دفتر

دعاوی ملکیه داخله عامه. ۷ - دفتر دعاوی نقدیه داخله عامه. ۸ - دفتر مواریث

داخله عامه. ۹ - دفتر دعاوی نقدیه خاصه نظامی. ۱۰ - دفتر دعاوی ملکیه خاصه

نظامی. ۱۱ - دفتر جنایات خاصه نظامی. ۱۲ - دفتر مواریث خاصه نظامی. ۱۳ -

دفتر دعاوی نقدیه خاصه تجارتی. ۱۴ - دفتر دعاوی ملکیه تجارتی. ۱۵ - دفتر

جنایات خاصه تجارتی. ۱۶ - دفتر مواریث خاصه تجارتی.

فقره ۲ - از آغاز شروع به رسیدگی هر مطلب، تا انجام نوشتجات و

اوراقی که در آن قضیه به وزارت عدلیه می‌رسد و تحقیقاتی که می‌شود و ثبت

نوشتجاتی که در آن موضوع صادر شده با ثبت حکم قطعی که در انجام امر

می‌دهند تمام به ترتیب نمره در یک محفظه مخصوصی ضبط خواهد شد.

فقره ۳ - اسناد باطله که بعد از کشف فساد، امر به ضبط می‌شود در این دفتر

محفوظ خواهد بود.

دفتر تعیین حقوق :

فقرة اول - احکام صادره از وزارت عدلیه در این دفتر ملاحظه و حقوق ده يك معمول آن را محاسب این دفتر معلوم کرده ، حکم را با ورقه مخصوص که در آن جا مبلغ و میزان حقوق ذکر شده است به اداره اخذ حقوق می فرستد و بعد از آن که اداره اخذ حقوق حکم را به صاحبش رساند پس از اجراء مدلول حکم حقوق، ده يك را دریافت و آن ورقه را مهووراً به اداره کابینه رد می کند و در دفتر تعیین حقوق ضبط می نمایند .

فقرة دوم - این دفتر هر هفته صورت عایدات وزارت عدلیه را از اداره اخذ حقوق مطالبه کرده در کتابچه مخصوص ثبت خواهد کرد .
مجلس محاکمات داخله :

فقرة اول - اجزاء مجلس : ۱ - رئیس محاکمات . ۲ - دو نفر معاون رئیس . ۳ - يك نفر محرر . ۴ - دو نفر معاون تحریر . ۵ - دو نفر ثبات .
فقرة دوم - مطلق دعاوی و تظلمات داخله اعم از این که متداعیین از طبقه نظام یا از سنف تجار و غیره باشند از وزارت عدلیه به توسط اداره کابینه به این مجلس رجوع می شود .

فقرة سوم - این مجلس با حضور متداعیین یا وکلای آنها با کمال دقت به اسناد طرفین رسیدگی کرده رأی و استنباط خود را می نویسد و اگر محتاج به مرافعه شرعی باشد از این مجلس به عراقبت يك نفر مأمور وزارت عدلیه به تراضی طرفین رجوع به محضر شرع مطاع خواهد شد .
فقرة چهارم - عموم مردم از هر طبقه شرعاً و عرفاً در محضر محاکمات حق مساوات دارند .

فقرة پنجم - رئیس مجلس باید محیط به مسائل شرعیه و عرفیه و از شوائب غرض میرا و دارای کمال دیانت و امانت باشد، و همچنین دقت نظر و قوه فهم اسناد شرعیه برای سایر اعضاء این مجلس شرط است .

فقرة ششم - اوراق و نوشتجاتی که در این مجلس محل حاجت فوری نیست، به اداره کابینه می فرستند و باز در موقع حاجت استعاده می کنند .

فقرة هفتم - نوشتجاتی که از این مجلس برای تحقیق مطالب لازمه یا برای احضار اشخاص صادر می شود بالتمام به اداره کابینه فرستاده می شود و از آن جا بعد از ثبت و یاد داشت به اداره فراشخانه وزارت عدلیه خواهد فرستاد .

فقرة هشتم - احضارنامه های این مجلس ، تمام از طرف وزیر عدلیه و به مهر وزارت عدلیه فرستاده خواهد شد .

فقره نهم - احکامی که بعد از رسیدگی و تحقیق از این مجلس صادر و به مهر وزارت عدلیه می‌رسد ، ثبات محاکمات اصل و سواد حکم را به اداره کابینه می‌برد و بعد از مقابله و تطبیق، سواد را در دفتر کابینه ضبط و اصل حکم را اداره کابینه به توسط اداره اخذ حقوق به صاحب مطلب می‌رساند .

مجلس تفتیش و استنطاق :

فقره اول - اجزاء مجلس : ۱- يك نفر رئیس . ۲- دو نفر معاون . ۳- يك نفر محرر . ۴- يك نفر معاون تحریر .

فقره دوم - مطلق مطالب التباسی و اسناد مخدوشه و اشخاصی که متهم به جرم و جنایتی هستند به این مجلس رجوع خواهد شد .

فقره سوم - رئیس و مرؤس در این مجلس علاوه بر شرایط صدق و تقوی ، باید تا يك درجه صاحب علم و عمل و از اشخاص زرنگ و زکی الحس انتخاب شوند .

فقره چهارم - در رجوعاتی که به این مجلس می‌شود بعد از رسیدگی و استنطاق راپورت قضیه را مطابق قرائن و امارات معلومه به مجلس وزیر عدلیه می‌فرستند و آنچه راجع به اسناد مخدوشه است ، به موجب حکم وزیر عدلیه سند مزبور از صورت سندیت خارج و با راپورت قضیه به اداره کابینه ارجاع و در آنجا ضبط می‌شود و آنچه راجع به سایر مطالب التباسی و جنایات است ، حکم تنبیه مرتکب را وزیر عدلیه مطابق فصول مجازات تعیین و امضاء نموده به توسط اداره کابینه به اداره مأمور اجراء احکام خواهد فرستاد و راپورتی که در این قضیه داده شده است اداره کابینه ضبط خواهد کرد .

مجلس استیناف :

فقره اول - اجزاء مجلس : ۱- رئیس . ۲- دو نفر معاون . ۳- يك نفر محرر .

فقره دوم - در هر قضیه بعد از رسیدگی و محاکمه ، چنانچه احدی از عارضین حکم مجلس محاکمات را منسوب به غرض و اشتباه کند و با براین قطعیه ثبوت حق خود و بطلان تحقیقات را بتواند مدلل نماید ، حق دارد رسیدگی به دعوی خود را استیناف از وزیر عدلیه بخواهد و این رسیدگی مجدداً از مجلس وزیر عدلیه به این مجلس رجوع خواهد شد .

فقره سیم - مطابق فقره سیم مجلس تفتیش و استنطاق ، اجزاء این مجلس نیز باید دارای همان شرایط و معلومات باشند .

فقره چهارم - این مجلس بدو معلومات و تحقیقات سایر دوائر را در